فنای نفس در واقعیت استحاله اجتماع نقیضین

این را عرض می‌کردم، آن عقل صحیحی که خداوند متعال به بشر داده است، آن اندازه‌ای که تکوینا به نحو فنای قدسی جلو می‌رود، آنجا دارد نفس الامر را ادراک می‌کند. از آن جهت، وجودی صحیح می‌شود. از آن حیث دیگر معصوم می‌شود؛ طبق تعبیری که در روایت هست. یعنی عقل هر بشر و بلکه هر جن‌بندهای، به درجه‌ای که ادراکش ناشی از فناء در عالم قدس است، از این‌جهت معصوم است. چون عالم قدس عصمت است. لذا چون جهت وجودی معصومین، فنای محض در عالم قدس است، سر و پای ادراکشان و اعمالشان و رفتارشان، همه عصمت می‌شود. عصمت سر تا سری دارند. چون آن درجه را دارند.

الآن برای ما استحاله تناقض روشن است. از این‌جهت، عقل ما معصوم است. یعنی خدای متعال یک چیزی به عقل داده است که در تطابق مطابق و مطابَق معصوم است. مطابق، قضیه استحاله تناقض است. مطابَق، آن واقعیت استحاله است که اگر ما هم نبودیم آن واقعیت بود. خدای متعال در این مرحله، نفوس ما را هم مدرک علم قرار داده و هم معلوم. هم قضیه را و هم مطابَق آن را. چون نفس مدرَک، نسبت به واقعیت استحال تناقض، فانی است، مطابَق را می‌یابد. به علم حضوری مطابَ که استحاله تناقض است را می‌یابد. چون به علم حضوری می‌یابد، هیچ کسی نمی‌تواند به آن خدشه کند. هر چه بگویند تناقض به خیالت رسیده است، اول ممکن است دچار شبهه شود، یک خوابی کرد و چشمش را باز کرد، می‌گوید: نه. چون مطابَق و مطابق نزد او حاضر است. دارد تطابق را می‌بیند. به علم حضوری به تطابق عالم است. آن وقت بگویند: محال است و نمی‌شود؟!

در چنین فضای عقل همه ما معصوم است. یعنی عقل همه ما در درک استحال تناقض معصوم است چرا؟؛ چون در مطابَق، الآن فانی است. در خود نفس الامر استحاله حاضر است.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 ژانویه 2025 15:35:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 ژانویه 2025 15:36:41 توسط ... .